

## بررسی تطبیقی مصادیق نفع قابل بیمه در بیمه عمر

محمدجواد محمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

نوید برومند<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱

سیدعلیرضا شکوهیان<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از قواعد امره مطرح در حقوق بیمه عمر، وجود نفع قابل بیمه است. این امر با نظم عمومی در ارتباط است و در صورتی که بدون وجود چنین نفعی، بیمه عمر اخذ شود، امکان بروز مخاطره اخلاقی و ایراد عمدی صدماتی به جان و مال دیگران وجود خواهد داشت؛ بنابراین، ضروری است که نفع قابل بیمه احراز شود و معیارهایی برای شناخت آن تعیین شود. از این رو، دو معیار نفع معنوی و اقتصادی ارائه شده است. در معیار نفع معنوی اشاره شده است که هر شخصی به دلیل وجود رابطه‌ای عاطفی و مبتنی بر عشق و محبت، در زندگی خود، همسر، والدین، فرزندان و سایر اعضای خانواده‌اش، نفع قابل بیمه دارد. معیار نفع اقتصادی هم اشاره دارد که گاهی به دلیل رابطه مالی میان دو شخص، حیات شریک تجاری، کارکنان کلیدی یک شرکت و شخص بدهکار، به‌عنوان نفعی قابل بیمه شناخته می‌شود و اجازه اخذ بیمه عمر در آن خصوص داده می‌شود. لذا باید از رهگذر مطالعه پرونده‌های حقوقی مطرح در حوزه کامن‌لا، به ظرافتهای موجود در بحث نفع قابل بیمه پی برد. مقاله حاضر به تحلیل این ظرافتها و دقت نظرهای حقوقی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: بیمه عمر، نفع قابل بیمه، مخاطره اخلاقی، اثرات خارجی منفی، نظم عمومی.

۱. کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، mj.mohammadi90@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، navidburomand@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، shokuhyan\_sbu@yahoo.com

## ۱. مقدمه

طی چند قرن اخیر نظامهای حقوقی اجازه نمی‌دهند که اشخاص بر حیات یا اموال اشخاص ثالث، بیمه اخذ کنند؛ چراکه چنین قراردادهایی دارندگان بیمه را تشویق می‌کند تا به جان و مال دیگران آسیب زنند.<sup>۱</sup> لذا نظامهای حقوقی بر این نکته تأکید داشتند که بیمه‌گذاران باید در حیات یا مالی که درصدد بیمه آن هستند، یک «نفع قابل بیمه»<sup>۲</sup> داشته باشند و در غیر این صورت، به دلیل مخالفت با مصالح و نظم عمومی<sup>۳</sup>، حکم به بطلان چنین قراردادهایی صادر می‌شد. درحقیقت، در چنین فرضی، نوعی «مخاطره اخلاقی»<sup>۴</sup> وجود داشت و این تدابیر، برای حذف چنین مخاطراتی اتخاذ می‌شدند. اگر بیمه‌گذار در تداوم حیات فرد تحت پوشش بیمه‌نامه ذی‌نفع نباشد، فوت این فرد نسبت به حیات او منفعت بیشتری را نصیب بیمه‌گذار خواهد کرد؛ به همین ترتیب، از بین رفتن اموال موضوع بیمه، نسبت به بقاء و صحت آنها، برای بیمه‌گذار منفعت بیشتری را در پی خواهد داشت. لذا اولین استدلال، ضرورت حفظ نظم عمومی از طریق محدودساختن مخاطرات اخلاقی بود. اما این مخاطره اخلاقی زمانی محدود می‌شد که رابطه اقتصادی و بعضاً معنوی و عاطفی میان ذی‌نفع قرارداد بیمه با مال یا حیات در معرض خطر وجود داشته باشد که همین امر، زمینه شکل‌گیری مفهوم نفع قابل بیمه را فراهم می‌آورد؛ مفهومی که بسیاری از نظامهای حقوقی بدان توجه داشته‌اند و در مقررات بیمه‌ای خود آن را لحاظ

---

۱. در ابتدا اشاره به تفاوت ذی‌نفع واقعی قرارداد بیمه با کسی که بدون نفع قابل بیمه بر حیات و اموال دیگران بیمه‌نامه تهیه می‌کند مفید به نظر برسد. ذی‌نفع واقعی دارای وضعیتی است که هم از تداوم وجود مال مورد بیمه و حیات فرد بیمه‌شده سود می‌برد و هم از فقدان آنها متحمل ضرر می‌شود؛ به عبارتی نفع در عدم وقوع حادثه دارد، لیکن کسی که از قرارداد بیمه به عنوان شرط‌بندی استفاده می‌کند صرفاً از تخریب مال یا فوت کسی که برای آن بیمه تهیه کرده نفعی را به دست می‌آورد و از تداوم وجود آن موضوعات و یا قبل از قرارداد بیمه نسبت به از بین رفتن آنها هیچ سودی نداشته است.

2. Insurable Interest
3. Public Policy
4. Moral hazard

کرده‌اند.<sup>۱</sup> به‌عنوان نمونه، امروزه تقریباً تمام ایالت‌های امریکا، یا از طریق قوانین موضوعه مصوب مجلس یا رویه قضایی، وجود یک نفع قابل بیمه برای بیمه عمر را ضروری می‌دانند؛ در غیر این صورت، بیمه‌نامه عمر بر اساس مصلحت عمومی باطل و بلااثر خواهد بود.

با گذشت زمان، دلایل دیگری نیز برای ممنوعیت اخذ این‌گونه بیمه‌نامه‌ها اقامه شد؛ از جمله، در حقوق انگلستان این‌گونه استدلال می‌شد که وقتی شخص بیمه‌گذار هیچ نفع قابل بیمه‌ای ندارد، ضرری واقعی به او وارد نمی‌شود و چنین قراردادی به‌مثابه یک معامله قماری خواهد بود. بدین جهت تقریباً اکثر کشورهای تحت نظام کامن‌لا، فقدان چنین نفعی را از اسباب بطلان و بی‌اعتباری قرارداد اعلام کرده‌اند. لیکن قانون‌گذار ایران در ماده ۲۳ قانون بیمه در خصوص قراردادهای راجع به بیمه عمر یا نقصان یا شکستگی عضو ثالث، بدون توجه به ضرورت نفع بیمه‌ای تنها وجود رضایت کتبی بیمه‌شده را شرط صحت قرارداد محسوب کرده است و از ضرورت وجود نفع در این مورد سخنی به میان نیاورده است. در قوانین ما در رابطه با تبیین انواع و مصادیق نفع قابل بیمه در حوزه بیمه‌های اشخاص و عمر مقرره‌ای پیش‌بینی نشده است، فقط در اغلب موارد حقوق‌دانان به طور کلی بیان کرده‌اند؛ در بیمه

---

۱. ممکن است این سؤال ذهن خواننده را مشغول کند که با وجود اصل جبران خسارت (Principle of Indemnity) دیگر نظام حقوقی چه نیازی به وجود اصل نفع قابل بیمه دارد؟ پاسخ آن است که گذشته از مواردی که بیمه‌گذاران با حيله و مانورهای متقلبانه خود را ذی‌نفع قلمداد کرده‌اند، کارکرد اصل غرامت با اصل نفع قابل بیمه دو تفاوت عمده دارد: نخست اینکه برخلاف اصل جبران خسارت که تنها در بیمه‌های جبرانی اعمال می‌شود، اصل لزوم وجود نفع قابل بیمه در همه انواع قراردادهای بیمه باید وجود داشته باشد؛ دوم آنکه، اصل جبران خسارت هیچ نقشی در انعقاد قرارداد بیمه ندارد و تنها در لحظه اجرای تعهد بیمه‌ای در بیمه‌های دارای خاصیت جبرانی، برای تعیین ضرر واقعی واردشده به بیمه‌گذار و مقابله با افزایش ناروای دارایی او عمل می‌کند؛ در حالی که نفع قابل بیمه بایستی در هنگام عقد وجود داشته باشد.

اشخاص، تعلق به یک خانواده و وجود علقه عاطفی یا مالی و یا حتی نفع در زنده و سلامت بودن بدهکار برای پرداخت بدهیها، نفع قابل بیمه را موجب می‌شود. این امر لزوم بحث و تحقیق در خصوص منافع قابل بیمه در این زمینه را روشن می‌سازد تا چارچوب و نظام کلی این منافع برای دادگاه‌ها و بیمه‌گران در مواجهه با بیمه‌نامه‌های فاقد نفع قابل بیمه مشخص باشد.

هدف ما در این پژوهش، ارزیابی و ارائه تعریف نسبتاً واضح از موارد و موضوعات نفع قابل بیمه در بیمه عمر در پرتوی نیازهای امروز جامعه است، که با توجه به فقدان منابع داخلی، بیشتر توجهات به نوشته‌ها و رویه قضایی نظامهای حقوقی کامن‌لا و خصوصاً ایالات متحده معطوف شده است. البته، هرچند که لحن آرای قضایی و قوانین ایالتی نسبت به آنچه که نفع قابل بیمه معتبر در حیات دیگران را تشکیل می‌دهد از ایالتی تا ایالت دیگر متفاوت به نظر می‌رسد، اما یک اتفاق نظر عامی وجود دارد که نفع قابل بیمه در حیات دیگری، ممکن است در یکی از این دو دسته قرار بگیرد: (۱) نفع قابل بیمه مبتنی بر عشق و محبت میان خویشاوندان سببی یا نسبی؛ و (۲) منفعت اقتصادی مشروع و قابل توجه در ادامه حیات و سلامت جسمانی شخص بیمه‌شده.<sup>۱</sup> نفع اخیر که یک فرد غیر خویشاوند باید دارای منفعت اقتصادی مشروع در تداوم زندگی دیگری باشد، شبیه به ضرورت وجود منفعت اقتصادی مشروع و قابل توجه برای بیمه‌های اموال است. این در حالی است که ظاهر عبارت ماده ۲۳ قانون بیمه هیچ‌گونه نفعی را برای بیمه‌کردن حیات دیگری لازم ندانسته است و هر فرد کاملاً بیگانه‌ای قادر به بیمه‌کردن حیات اشخاص دیگر و تعیین ذی‌نفع دلخواه خود در آن با داشتن رضایت بیمه‌شده است.

لیکن این رویه به‌نظر در مواردی مشکلات عمده‌ای به همراه دارد و ممکن است افراد دارای نفع قابل بیمه بر حیات اشخاص دیگر، قادر به تحصیل رضایت کتبی

۱. به عنوان مثال به بخش (الف) (۱) از قانون بیمه نیویورک مراجعه کنید.

بیمه‌شده نباشند و از اخذ بیمه عمر و تأمین منافع خود بازمانند. به عنوان مثال اگر رضایت بیمه‌شده در حالتی که نفع قابل بیمه وجود دارد، مانند رابطه طلبکار - بدهکار لازم دانسته شود، اما بدهکار رضایت کتبی به انعقاد بیمه توسط طلبکار ندهد، حقوق و منافع بستانکار با خطر روبه‌رو خواهد شد.

نفع قابل بیمه از لحاظ تاریخی ریشه در حقوق انگلستان دارد و اولین قوانین برای مقابله با بیمه‌نامه‌های فاقد نفع در قرن هجدهم در این کشور به تصویب رسیده است.<sup>۱</sup> به طور معمول نفع قابل بیمه به‌عنوان یک شیوه دفاعی در دعوی مدنی توسط بیمه‌گر برای فرار از پرداخت غرامت و یا مبلغ مقرر در بیمه‌نامه پس از وقوع رویداد بیمه‌شده، به کار می‌رفت. بیمه‌گر به فقدان نفع قابل بیمه توسط ذی‌نفع قرارداد بیمه در شخص یا اموال موضوع بیمه تکیه می‌کرد و دادگاه رسیدگی‌کننده در صورتی که تشخیص می‌داد قرارداد فاقد نفع قابل بیمه است، تمایلی به احراز صحت آن معامله نداشت. در این صورت قرارداد بیمه دیگر بیمه‌گر را ملزم به پرداخت مبلغ وعده‌داده شده به ذی‌نفع نمی‌کرد و حتی در برخی موارد بیمه‌گر از استرداد حق بیمه‌های پرداخت شده توسط بیمه‌گذار نیز معاف بود.

این مسئله بدیهی است که هر انسانی دارای نفع قابل بیمه برای بیمه‌کردن حیات خودش است لیکن در زمینه بیمه‌کردن حیات اشخاص ثالث این موضوع مطرح می‌شود که چه افرادی دارای نفع بیمه‌پذیر هستند و این نفع باید به چه صورت باشد تا تهدیدی علیه حیات آنان تلقی نشود. اگرچه بتوان در محیط خانواده صرف نفع معنوی و حضور فرد را برای بیمه‌پذیر بودن حیات اشخاص کافی دانست اما یقیناً در امور اقتصادی، منافع

---

۱. در آغاز، طبق حقوق عرفی انگلستان، قراردادهای بیمه حتی با فقدان یک نفع قابل بیمه قابل اجرا شناخته می‌شدند. این وضعیت تا سال ۱۷۴۶ وجود داشت، یعنی تا هنگامی که مجلس غیرقانونی بودن قراردادهای شرط‌بندی در بیمه دریایی را به تصویب رساند. پس از آن در سال ۱۷۷۴ این ممنوعیت از بیمه دریایی به بیمه عمر گسترش یافت.

مالی را باید پیش فرض قابل بیمه بودن حیات دیگری دانست. گفتنی است بحث از مشروع بودن منافع، نکته‌ای است که در تمام موارد بیمه اشخاص باید بدان توجه داشت.

## ۲. منافع معنوی قابل بیمه در حیات اشخاص

نفع قابل بیمه مبتنی بر عشق و محبت خانوادگی در زندگی شخص دیگر، ممکن است از طریق رابطه خویشاوندی نسبی یا سببی ایجاد شود. این امر، مبتنی بر این فرض است که معمولاً چنین عشق و محبتی میان خویشاوندان نزدیک وجود دارد و همین امر، مانع از قتل عمد شخص برای رسیدن به عواید بیمه‌ای خواهد شد؛ از این رو، وجود نفع قابل بیمه در حیات اعضای خانواده را «فرض قانونی»<sup>۱</sup> دانسته‌اند (محمدمدی، ۱۳۹۵، ۵۴).

هرچه رابطه خانوادگی نزدیک‌تر باشد، احتمال وجود نفع قابل بیمه نیز بیشتر است. بر این اساس، معمولاً یک فرد در حیات تمام اعضای خانواده مرکزی و هسته‌ای خود<sup>۲</sup> نفع قابل بیمه دارد؛ از جمله در زندگی همسر و فرزندش (Mancini and Murphy, 2012, 424). با این وجود مسلم‌ترین نفع غیراقتصادی که اشخاص در زمینه نفع قابل دارند، نفعی است که بیمه‌گذار برای حیات خود قائل است به همین خاطر بررسی آن را باید در رأس بحث قرار داد.

## ۲-۱. نفع قابل بیمه در زندگی خود شخص

این موضوع اغلب گفته شده که هر فردی دارای نفع قابل بیمه نامحدود در زندگی خودش است (Patterson, 1918, 396)؛ از این رو، بعضی نظریه‌پردازان مانند کیتون و ویدز این نوع از نفع قابل بیمه در زندگی خود شخص را یک «فرض قانونی» دانسته‌اند و بیان داشته‌اند که «هر شخصی می‌تواند قرارداد معتبری را برای بیمه عمر خودش و برای هر مبلغی که شرکت بیمه بپذیرد، منعقد کند؛ چراکه ارزیابی ارزش زندگی بر اساس معادلات اقتصادی غیرممکن است» (Keeton and Widiss, 1988, 180). از سوی دیگر، پرفسور

---

1. Legal Fiction  
2. Nuclear Family

جری در پذیرش این فرض چنین استدلال می‌کند که وقتی شخصی برای خود بیمه عمر اخذ می‌کند، از این بابت که ممکن است بر روی مرگ خود شرط‌بندی کرده باشد و یا بخواهد خودکشی کند تا منافع مالی ناشی از بیمه عمر به شخص دیگری رسد، نگرانی چندانی وجود ندارد (Jerry, 2002, 311). حتی دادگاه‌ها و مفسران آمریکایی پذیرفته‌اند که وقتی شخصی بیمه عمر اخذ می‌کند، می‌تواند هر شخصی را که بخواهد به‌عنوان ذی‌نفع تعیین کند و لازم نیست که شخص تعیین‌شده، نفع قابل بیمه‌ای داشته باشد. استدلالی که در این خصوص وجود داشته آن است که بیمه‌گذار در این فرض کسی را انتخاب نخواهد کرد که به احتمال زیاد او را به قتل رساند و منافع حاصل از بیمه عمر را تصاحب کند؛ البته مثالهای نقض این استدلال در عمل بسیار زیاد بوده و قتلهایی که به این دلیل ارتکاب یافته‌اند، کم نبوده‌اند.

درنهایت، برای رفع مشکلات فوق و رعایت نظم عمومی، اگر ذی‌نفع بیمه عمر، عمداً بیمه‌گذار را به قتل رساند، دادگاه‌ها اجازه نمی‌دهند که این شخص منافع حاصل از بیمه عمر را تحصیل کند و در چنین فرضی، منافع حاصل از بیمه عمر، به ذی‌نفع احتمالی بی‌گناه<sup>۱</sup> یا به ترکه متوفی داده می‌شود.

این امر، بر اساس قاعده عامی است که در حقوق مسئولیت مدنی مطرح است؛ اینکه هیچ‌کس نباید از خطای خود سود ببرد (برومند، ۱۳۹۴، ۲۸). لذا ممکن است حتی شخص ذی‌نفع در دادرسیهای کیفری به ارتکاب قتل عمد محکوم نشود و جرم او به اثبات نرسد، اما شرکت بیمه‌گر در یک دادرسی مدنی، بر اساس شواهد و مستندات قانع‌کننده‌ای<sup>۲</sup> ثابت کند که شخص ذی‌نفع حق دریافت عواید ناشی از بیمه عمر را نخواهد داشت (Salzman, 1963, 558). البته اگر قصور ذی‌نفع موجب مرگ ناخواسته بیمه‌گذار شده باشد یا ذی‌نفع در دفاع (مشروع) از خود او را کشته باشد، ذی‌نفع از دریافت عواید ناشی از بیمه محروم نخواهد شد.

---

1. Innocent Contingent Beneficiary  
2. Preponderance of the Evidence

همانطوری که در مباحث فوق مورد اشاره قرار گرفت، در صورتی که خطا و تأثیر ذی‌نفع در مرگ بیمه‌گذار ثابت شود، بیمه‌گر عواید ناشی از بیمه عمر را به ذی‌نفعان احتمالی دیگر و یا ترکه بیمه‌گذار پرداخت خواهد کرد؛ اما برخی دادگاه‌ها استثناء بحث‌برانگیزی را بر این قاعده وارد کرده‌اند که تحت عنوان «وسیله بی‌گناه»<sup>۱</sup> از آن یاد می‌شود.

در قضیه شرکت بیمه عمر انگلستان علیه نول، ویکتور نول، اقدام به اخذ بیمه عمر برای خود کرد؛ زیرا شرکای تجاری جدید او -رونالد و جیمز کالورت- گفته بودند که برای اینکه آنها بتوانند بر روی اختراع او سرمایه‌گذاری کنند، او باید بیمه عمر اخذ کند. مدتی بعد از انعقاد بیمه عمر، جسد نول در حالی که مورد اصابت چندین گلوله قرار گرفته بود، پیدا شد. هرچند قاتل نول در این قضیه مشخص نشد، اما کالورتها محکوم به کلاهبرداری و فریب شرکت بیمه شدند. در پی محکومیت کیفری کالورتها به خاطر فریب شرکت بیمه، دادگاه حقوقی طبق قاعده استفاده ابزاری از بیمه‌شده در خصوص پرونده رأی صادر کرد. پس، این سؤال مطرح شد که اگر نماینده بیمه، از قصد سوء ذی‌نفعان مطلع باشد و کاری نکند، و یا حتی اگر در این خصوص با ذی‌نفعان هم‌دست باشد، وضعیت چگونه خواهد بود؟ از یک طرف شرکت بیمه استدلال می‌کند که قاعده استفاده ابزاری از بی‌گناه باید در این موقعیت اعمال شود و در نتیجه، شرکت از پرداخت پول معاف است. از طرف دیگر، اصل حقوق بیمه‌ای قوام‌یافته‌ای وجود دارد که اگر نماینده شرکت بیمه، در حدود اختیارات خود عمل کند، ولو اینکه به طور متقلبانه عمل کرده باشد، باز هم شرکت بیمه متعهد خواهد بود؛ مگر آنکه ثابت شود خود بیمه‌گذار هم در این تقلب مشارکت داشته است.

پس از صدور رأی فوق در پرونده نول، دو دادگاه دیگر نیز اقدام به بررسی این مسئله کردند. در پرونده شرکت بیمه عمر علیه لویز، جیمز لویز بیان می‌کرد که همسرش بیمه عمری بر حیات او، به ارزش ۲۶۰ هزار دلار گرفته است، در حالی که



از این موضوع مطلع نبوده و در امضای بیمه‌نامه فریب خورده و تصور کرده که همسر او بیمه سلامت خریده است. همچنین، آقای لوپز ادعا داشت که به طور غیرمستقیم شنیده است که همسر و برادر همسرش توطئه قتل وی را طرح‌ریزی کرده‌اند. لوپز فوراً نماینده بیمه را از این توطئه آگاه کرد، اما شرکت بیمه اقدامی انجام نداد. مدتی بعد همسر و برادر همسر آقای لوپز او را ربودند و سعی کردند او را غرق کنند که با رسیدن پلیس به صحنه جرم، او نجات یافت. لوپز علیه شرکت بیمه شکایت کرد و شرکت، به دلیل توجه‌نکردن به اخطارهای آقای لوپز در خصوص توطئه قتل وی محکوم شد (Kingree and Tanner, 1994, 765). دیوان عالی فلوریدا اظهار داشت که اگرچه شرکتهای بیمه نمی‌توانند ضامن حسن‌نیت مشتریان خود باشند، اما وظیفه دارند انگیزه مجرمانه ذی‌نفعان بیمه عمر را مورد بررسی قرار دهند. حداقل شرایط این پرونده این گونه اقتضا می‌کرد که شرکت بیمه انگیزه‌های مجرمانه ذی‌نفعان را از بین برد و به آنها اعلام کند که در صورت زمینه‌سازی قتل بیمه‌گذار، نفعی از بیمه نخواهند برد و سودی عاید آنان نخواهد شد (Id., 949).

یکی دیگر از پرونده‌های مشهور در این خصوص، پرونده اوراستریت علیه شرکت بیمه کنتاکی بود که در آن، صرف سهل‌انگاری بیمه‌گر مطرح نبود، بلکه بیمه‌گر با ذی‌نفع در مرگ بیمه‌گذار تبانی کرده بود. اما مسئله مهمی که در پرونده فوق وجود داشت آن بود که رفتار غیرقانونی نماینده بیمه در کمک‌کردن به ذی‌نفع قرارداد بیمه، چه تأثیری در مسئولیت شرکت بیمه دارد؟ دادگاه این گونه پاسخ داد که اقدامات غیرقانونی نماینده شرکت بیمه، می‌تواند بیمه‌گر را از ادعای بطلان بیمه‌نامه محروم کند. در مجموع باید گفت که بیمه‌گر باید در تنظیم قرارداد بیمه، حسن‌نیت داشته باشد؛ در مواردی که بیمه‌گر با سوءنیت بیمه‌گذار با طرف قرارداد بیمه برخورد می‌کند، نمی‌تواند بعداً به عدم صحت و اعتبار قرارداد، متوسل شود و در فرض کامل‌نبودن ارکان عقد وی ملزم به بازگشت حق‌بیمه‌ها به بیمه‌گذار همراه با سود و به عبارتی جبران کامل خسارت بیمه‌گذار است (سیفی زیناب و وفایی‌پور، ۱۳۸۹، ۴۵).

لذا، در پرونده‌های لوپز و اوراستریت و رویه قضایی متعاقب آن که با برخورد دادگاه در پرونده نول تفاوت داشت، رویه قضایی را متقاعد کرد که اگر نماینده شرکت بیمه، با تسامح خود قصد مرگبار ذی‌نفع را کنترل نکرده و یا حتی با او تباری کرده باشد، در قبال مرگ بیمه‌گذار مسئول است و عواید ناشی از بیمه‌نامه باید به دیگر ذی‌نفعان احتمالی یا ترکه بیمه‌گذار تعلق گیرد.

## ۲-۲. نفع قابل بیمه در زندگی همسر

بنا بر نظر اکثریت، همسر هر فردی در حیات او نفع قابل بیمه دارد؛ اما در پاسخ به این سؤال که آیا فردی می‌تواند بدون اطلاع همسرش، نسبت به حیات او بیمه عمر بگیرد، اختلاف نظر وجود دارد. رویه قضایی و قوانین موضوعه در برخی از ایالات آمریکا، رضایت و اطلاع همسر در انعقاد بیمه عمر را لازم نمی‌دانند؛ اما برخی نویسندگان معتقدند که برای مصلحت عمومی و جلوگیری از قراردادهای مخاطره‌آمیز، رضایت همسر نیز برای گرفتن بیمه عمر نسبت به حیات او ضروری است. همین روش در اکثر ایالات این کشور پذیرفته شده است (Swisher, 2005, 500). برای اشاره به این مصالح، توجه به یکی از پرونده‌های قضایی مفید خواهد بود.

در دعوی رامی به طرفیت شرکت بیمه عمر کارولینا، خانمی بدون اطلاع و رضایت همسرش، نسبت به حیات او بیمه عمر اخذ کرد و سپس او را با اسید آرسنیک مسموم کرد. شوهر او متحمل صدمات شدیدی شد و از شرکت بیمه عمر با این ادعا که از فقدان رضایت او در زمان انعقاد بیمه عمر اطلاع داشته شکایت کرد. دیوان کارولینای شمالی چنین رأی داد که: «به‌عنوان یک قاعده عمومی، بیمه عمری که نسبت به حیات بیمه‌شده و بدون رضایت او اخذ می‌شود، بر خلاف نظم و مصلحت عمومی بوده و قابل اجرا نیست. به عنوان مثال، همسر مردی نمی‌تواند بدون رضایت او، نسبت به حیات وی بیمه عمر اخذ کند؛ چراکه این اقدام می‌تواند زمینه‌ساز جرائم عدیدهای باشد».

نکته دیگر آن است که خصوصیت بارز این نوع نفع در روابط میان همسران و روابط نزدیک خویشاوندی مانند رابطه میان والدین و فرزندان، در عدم نیاز به اثبات وجود نفع اقتصادی قابل بیمه است؛ در حالی که سایر روابط خویشاوندی، تنها با وجود رابطه اقتصادی یا تصریح قانونی می‌تواند منجر به پذیرش نفع قابل بیمه شود (فولادگر، ۱۳۹۱، ۴۴).

نهایتاً، سؤالی که باید به آن پاسخ داده شود آن است که وقوع طلاق چه اثری بر وجود نفع قابل بیمه در حیات همسر می‌گذارد؟ اگر بیمه عمری نسبت به حیات همسر اخذ شود و بعد از گذشت مدتی آنها از یکدیگر جدا شوند، قطعاً باید وقوع طلاق به نفع قابل بیمه پایان دهد (صالحی، ۱۳۸۱، ۲۰۰)؛ البته گاهی اوقات حتی بعد از طلاق هم کماکان نفع قابل بیمه‌ای وجود دارد؛ مثل تعهد به نگهداری و مراقبت از کودک و پرداخت نفقه او (مانند تکلیف به پرداخت نفقه همسر باردار و مطلقه رجعیه در حقوق ایران ماده ۱۱۰۹ ق.م.ا). البته تعداد کثیری از دادگاه‌ها بر این عقیده‌اند که وجود نفع قابل بیمه در زمان انعقاد عقد کافی بوده و نیازی به استمرار آن نیست؛ اما این نظر قابل انتقاد است.

### ۲-۳. نفع قابل بیمه میان والدین و فرزند

پدر و مادر و فرزندان در حیات یکدیگر متقابلاً نفعی قابل بیمه دارند؛ حتی اگر این فرزند بالغ بوده و از لحاظ اقتصادی وابسته به والدین خود نباشد. البته باید توجه شود که فرزندخواندگان، در حیات پدرخوانده و یا مادرخوانده خود نفع قابل بیمه‌ای ندارند؛ مگر در مواقعی که به لحاظ اقتصادی به آنان وابسته بوده و یا اینکه از آنان انتظاراتی اقتصادی دارند<sup>۱</sup>. پدرخوانده و مادرخوانده نیز در حیات فرزند تحت

---

۱. چنانکه مواد ۱۵ و ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست کشورمان (مصوب ۱۳۹۲) به خاطر تأمین و وابستگی اقتصادی کودک تحت سرپرستی و داشتن نفع قابل بیمه، سرپرستان را ملزم به بیمه کردن خود به نفع کودک کرده است.

سرپرستی آنان نفع قابل بیمه‌ای ندارند؛ مگر در شرایط استثنایی که وابستگی اقتصادی و یا مسئولیت مالی وجود چنین نفعی را توجیه کند (Schultz Vento, 1996, 781). برای جلوگیری از قراردادهای شرط‌بندی میان اعضای خانواده، برخی ایالات آمریکا، رضایت فرزندان یا والدین را برای اخذ بیمه عمر در حیات آنان ضروری می‌دانند؛ مگر در مواردی که فرزند صغیر است. در مقابل در انگلستان، با توجه به دیدگاه محدودی که نسبت به نفع قابل بیمه وجود داشت، روابط والدین و فرزندان از شمول روابط عاطفی قابل بیمه خارج بود. در قضیه هالفورد علیه کمیر، پدری تلاش کرده بود تا نسبت به حیات فرزندش بیمه عمر اخذ کند و خودش را به‌عنوان ذی‌نفع تعیین کند. او چنین ادعا می‌کرد که چون انتظار دارد در آینده فرزندش هزینه‌های آموزش و نگهداری را به او بازگرداند، پس در حیات او ذی‌نفع است؛ اما دادگاه این استدلال او را رد کرد. البته امروزه چنین بیمه‌نامه‌هایی وجود دارند و به نظر نمی‌رسد منجر به دعاوی خاصی مانند پرونده فوق شود (Hodgin, 2002, 57).

در مقررات شریعت اسلام نیز نکات جالب توجهی یافت می‌شود. در اسلام والدین تکلیف به مراقبت از کودکان خود دارند. آنها موظف به فراهم کردن غذا، لباس و احتیاجات روزمره آنان هستند (آیه ۲۳۳ سوره بقره). همچنین قرآن کریم پیش‌بینی کرده است که والدین از فرزند و فرزند از والدین ارث خواهد برد (آیه ۷ سوره نساء)؛ بنابراین واضح است که در اسلام هم برای والدین و هم برای فرزندان وظیفه مراقبت از دیگری وجود دارد و به نظر می‌رسد که این وظیفه، برای طرف مقابل نفع مشروعی را ایجاد می‌کند که قابل بیمه است (Abubakar and AnowarZahid, 2015, 350).

## ۲-۴. نفع قابل بیمه در حیات سایر اعضای خانواده

نظامهای حقوقی کامن‌لا در خصوص اینکه آیا خواهر و برادر و یا بستگان دورتر دارای نفع قابل بیمه در حیات بیمه‌شده هستند یا نه، به صورت متناقضی عمل کرده‌اند. به طور کلی، رویه قضایی در ایالات متحده به نفع قابل بیمه خواهر و برادر به سه شکل کلی اشاره می‌کند: (۱) برخی بر این باورند که خواهر و برادرها، به صرف رابطه

خویشاوندی، در حیات یکدیگر نفع قابل بیمه دارند؛ (۲) برخی دیگر معتقدند خواهر و برادرها، اگرچه هیچ نفع قابل بیمه‌ای به موجب صرف رابطه خویشاوندی ندارند، اما با توجه به سایر علاقه‌ها مانند وابستگی مالی، طلبکاری و یا شراکت تجاری، دارای نفع قابل بیمه در حیات بیمه‌شده هستند؛ مضافاً اینکه این نفع گسترده‌تر از نفع قابل بیمه میان طلبکاران و یا شرکای تجاری است که رابطه‌ای خویشاوندی میان آنان نیست؛ و (۳) دسته سوم بر این باورند که خواهر و برادرها دارای هیچ نفع قابل بیمه‌ای در حیات یکدیگر نیستند؛ مگر اینکه طبق ضوابط دیگر چنین نفعی به اثبات رسد.

اگرچه برخی از دادگاه‌ها یک رابطه برادر و خواهری را صرفاً بر اساس عشق و محبت و بدون هرگونه وابستگی اقتصادی بیمه‌پذیر شناخته‌اند، لیکن در خصوص دیگر روابط خانوادگی، وابستگی اقتصادی یا نفع مالی هم‌زمان را در حیات بیمه‌شده برای ایجاد نفع قابل بیمه در زندگی یک عضو خانواده گسترده و غیرمتمرکز<sup>۱</sup> لازم دانسته‌اند. برای مثال، بسیاری از دادگاه‌ها رأی داده‌اند که روابط فامیلی دور موجود میان عمه و دایی با بچه‌های برادر و خواهر خیلی دور و جزئی هستند، به همین خاطر با فقدان منافع مالی یا اقتصادی برای ایجاد نفع بیمه‌پذیر کافی نیستند.<sup>۲</sup> بنابراین، در صورتی که یک رابطه خویشاوندی دور، با یک نفع اقتصادی همراه شود، احتمال احراز وجود نفع قابل بیمه از سوی دادگاه بالاست.

---

## 1. Extended Family

۲. در پرونده شرکت بیمه عمر نشنال لیبرتی علیه ولدون، عمه‌خوانده‌ای سه بیمه‌نامه عمر بر حیات برادرزاده خود گرفت سپس او را به قتل رساند. دعوی موفقیت‌آمیزی توسط والدین کودک علیه سه بیمه‌گر اقامه شد و استدلال آنان مبنی بر اینکه شرکتهای بیمه در صدور بیمه‌نامه‌ها به نفع عمه‌خوانده که دارای هیچ نفع قابل بیمه معتبری نبوده، سهل‌انگاری کرده‌اند. دیوان عالی هر سه بیمه‌نامه را به خاطر تعارض با مصلحت عمومی باطل اعلام کرد.

### ۳. منافع اقتصادی مشروع در تداوم حیات و سلامت بیمه‌شده

در صورتی که شخصی هیچ نفع قابل بیمه‌ای بر اساس عشق و محبت خانوادگی در حیات دیگری نداشته باشد و با این حال بخواهد حیات دیگری را بیمه کند، باید در تداوم حیات و سلامت جسمانی فرد بیمه‌شده، نفع اقتصادی مشروع و قابل توجهی داشته باشد. این نفع اقتصادی غالباً در روابط تجاری خاصی رخ می‌دهد؛ از جمله: (۱) منفعت اقتصادی یک شریک تجاری در حیات شریک دیگر؛ (۲) منفعت اقتصادی نهادهای تجاری در حیات مستخدمان و کارکنان کلیدی آنان؛ و (۳) منفعت اقتصادی طلبکار در زندگی بدهکار خود، تا میزان طلب‌اش (Jerry, 2002, 314).

#### ۳-۱. ضرورت وجود نفع در حیات شریک تجاری

هنگامی که یک شریک تجاری با زنده‌بودن شریک خود انتظار دارد که سودی به دست آورد و با مرگ نابهنگام او انتظار ورود ضرری را دارد، در واقع در حیات او نفعی قابل بیمه دارد. لذا اگر با زنده‌بودن و یا مرگ شریک تجاری چنین انتظاراتی وجود نداشته باشد، وجود نفع قابل بیمه منتفی است. پرونده‌های متعددی در این خصوص مطرح بوده‌اند. به عنوان مثال، در پرونده پیلر علیه داستر، بین جوی پیلر (همسر رابرت پیلر) و دیوید داستر (مدعی شراکت با پیلر) دعوی‌ای شکل گرفت و این دعوا بر سر سود مربوط به دو بیمه‌نامه‌ای بود که در حیات رابرت پیلر اخذ شده بود. در سال ۱۹۷۸، داستر و پیلر درخواستهای جداگانه‌ای را برای بیمه عمرشان به انجمن بیمه عمر وودمن ارائه کردند و شرکت تجاریشان را به‌عنوان ذی‌نفع اولیه تعیین کردند. چند ماه بعد، پیلر و داستر دوباره درخواستهای جداگانه‌ای را برای اخذ بیمه عمر به انجمن بیمه آمریکایی پائونیر دادند. در بیمه‌نامه اخذشده از شرکت آمریکایی پائونیر، پیلر خودش را به‌عنوان بیمه‌شده و دیوید داستر (شریک تجاری‌اش) را به‌عنوان ذی‌نفع اولیه تعیین کرد. لیکن مشارکت‌شان به خاطر ناتوانی در تأمین سرمایه کافی بعد از ۵ ماه خاتمه یافت. یک سال بعد از آن، رابرت به خاطر تصادف رانندگی فوت شد. در این هنگام سؤال این بود که کدام ذی‌نفع باید سود ویژه دو بیمه‌نامه را دریافت کند؟

دیوان عالی ایالت تنسی رأی داد که، در خصوص بیمه‌نامه شرکت وودمن، «از آنجایی که شواهد مقرر می‌کند که ذی‌نفع تعیین‌شده (شرکت تجاری) هرگز وجود پیدا نکرده و در نتیجه نمی‌توانسته مالک مال موردنظر شود، به نظر می‌رسد این نکته واضح است که ذی‌نفع جایگزین (یعنی ترکه پیلر) استحقاق دریافت این سود را دارد. با این حال، در خصوص بیمه‌نامه شرکت پایونیر دیوان اظهار داشت که یک فرد (همانند پیلر)، نفع نامحدودی در حیات خودش دارد و می‌تواند بیمه‌نامه‌ای بر حیات خود بگیرد و آن را برای هر کسی که بخواهد قابل پرداخت بسازد؛ و ذی‌نفع نیازی به داشتن نفع قابل بیمه ندارد. دیوان قاعده کلی ناظر بر این موضوع را به شرح ذیل بیان داشت که «هرگاه نام یک فرد خاص به‌عنوان ذی‌نفع اصلی در یک قرارداد بیمه ذکر شده و به دنبال آن توصیف غلطی از وضعیت یا رابطه آن شخص با فرد بیمه‌شده (همانند همسر، شوهر و یا شریک) آمده باشد، وضعیت یا رابطه نادرست به طور کلی توصیفی باقی می‌ماند و توضیحات اشتباه موجب نمی‌شود که فرد تعیین‌شده به‌عنوان ذی‌نفع، از دریافت درآمد حاصل از بیمه‌نامه محروم شود» (Id., 939).

### ۳-۲. نفع مؤسسه تجاری در حیات مستخدمان و کارکنان کلیدی‌اش

صرف وجود رابطه استخدامی و یا رابطه کارگری و کارفرمایی، باعث به وجود آمدن نفع قابل بیمه برای طرفین این رابطه نخواهد شد؛ بلکه کارفرما باید در تداوم حیات کارمند یا کارگزارش نفع اقتصادی معقولی داشته باشد تا بتوان یک نفع قابل بیمه را برای او تصور کرد (Mancini and Murphy, 2012, 427). به عنوان مثال، یک شرکت در حیات مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره‌اش ذی‌نفع بوده و مرگ هر یک از این افراد در منافع اقتصادی شرکت اثرگذار است. لذا با اضافه‌کردن چنین شروطی، سعی می‌شود تا صرف رابطه استخدامی کفایت نکند و چنین قراردادهایی حتی‌الامکان از قراردادهای شرطبندی فاصله گیرند؛ همان‌طور که در پرونده رابنستین علیه شرکت بیمه عمر نیویورک چنین بود.

آلن رابنستین، پس از حضور در یک سمینار تجاری تصمیم به ایجاد یک ژورنال تلویزیونی گرفت. مدتی بعد رابنستین و هارولد کانر یک قرارداد تجاری منعقد کردند که در آن کانر متعهد شد که ظاهراً برای امتیاز فعالیت مجله، در هر ماه هزار دلار به رابنستین بپردازد؛ حتی اگر مجله به موفقیت نرسد. این دو نفر با نماینده بیمه عمر شرکت نیویورک ملاقات کردند، که به طور عجیبی پیشنهاد کرد رابنستین یک بیمه‌نامه عمر با اعتبار<sup>۱</sup> ۲۴۰ هزار دلاری برای تضمین بدهی کانر خریدار کند، اگرچه در زمانی که رابنستین برای بیمه‌نامه درخواست داد کانر بدهکار این مبلغ به رابنستین نبود. در ضمن رابنستین درآمد کانر را ۲۶ هزار دلار در سال جلوه داده بود، در حالی که درآمد کانر در واقع ۷۸۰۰ دلار در سال بوده است. سه ماه بعد، کانر از رابنستین دعوت کرد تا برای شکار به همراه عده‌ای دیگر از جمله فرزندخوانده‌های رابنستین و مایکل فورنیر، که یک بزهکار دارای آزادی مشروط بود، او را همراهی کند. وقتی که به محل شکار رسیدند، رابنستین اسلحه‌ها را بین همه افراد، حتی فورنیر که طبق قانون از حمل اسلحه منع شده بود، پخش کرد. فورنیر در حین شکار که پشت سر کانر ایستاده بود، از نزدیک به وی شلیک کرد. فورنیر ادعا می‌کرد که اسلحه زمانی که او به زمین خورده بود، به طور تصادفی شلیک شده است. با این حال، قاضی دادگاه اظهار داشت که در چنین شرایطی ساچمه‌ها در یک زاویه کج به کانر اصابت می‌کرد، به جای اینکه جراحت افقی ایجاد کند. در نتیجه شواهد نشان از یک مرگ مشکوک داشت و چیزی فراتر از صرف بدشانسی ناشی از یک حادثه بود. رابنستین هنوز هم ادعا می‌کرد که تیراندازی تصادفی بوده است و دعوایی علیه شرکت بیمه عمر نیویورک برای وصول عواید مذکور در بیمه‌نامه اقامه کرد.

قاضی دادگاه بدوی به‌درستی رابنستین را فاقد هرگونه نفع قابل بیمه معتبر در حیات کانر شناخت؛ چراکه دادگاه بین نفع قابل بیمه در حیات یک مستخدم کلیدی و یک نفع قابل بیمه طلبکار- بدهکار تمایز قائل شد و چنین اظهار داشت که بیمه عمر



اعتبار، متمایز از بیمه‌نامه تجاری مربوط به حیات یک کارمند کلیدی است. در مورد اول، بیمه‌گر خطرات مربوط به فوت بدهکار پیش از پرداخت بدهی را پوشش می‌دهد؛ در حالی که طبق مورد دوم، بیمه‌گر خطراتی را پوشش می‌دهد که مرگ یک کارگر بر منافع اقتصادی آن کسب‌وکار دارد (Id., 274).

از سوی دیگر کاملاً مشهود بود که کانر کارمند کلیدی رابنستین به‌شمار نمی‌آمد و هیچ نفع قابل بیمه معتبری بر اساس رابطه طلبکار- بدهکار در حیات کانر نیز نداشت؛ چراکه وقتی بر اساس رابطه بدهکار- طلبکار بیمه‌نامه‌ای اخذ می‌شود، مبلغ بیمه عمر باید متناسب با مبلغ بدهی او باشد (Id., 278). به همین خاطر می‌توان این طور نتیجه گرفت که نفع قابل بیمه برای حفاظت اشخاص ثالث از اثرات خارجی منفی‌ای که از قراردادهای بیمه ناشی می‌شود طراحی شده است (Rea, Jr., 1993, 151). از این رو، الزام به وجود نفع قابل بیمه همچون اصل غرامت از لحاظ نظری یکی از راه‌کارهای سنتی مهار مخاطره اخلاقی است (علی‌اکبری، ۱۳۹۴، ۵۶).

نکته بسیار جالب در ادامه این پرونده و اشخاص درگیر در آن، وجود داشت. دارلی پرسی، ناپسری رابنستین، بعداً به بزرگسالی قدم گذاشت و با زنی به نام اولین ازدواج کرد، که یک دختر به نام کریستال راین از او داشت. در سال ۱۹۹۱، رابنستین یک بیمه‌نامه ۲۵۰ هزار دلاری بر حیات کریستال خرید، که در آن هنگام دو سال داشت، و همسرش دوریس را به‌عنوان ذی‌نفع تعیین کرد (Jerry, 2002, 296-97). بنا به گزارش رسانه‌ها و محتویات بایگانی دادگاه، در پاییز ۱۹۹۳، رابنستین، عروس و نوه‌خوانده‌اش را به خانه متعلق به خود در می‌سی‌سی‌پی فراخواند. پس از آن دوریس می‌بیند که خبری از پسرش نیست. رابنستین در ۱۶ دسامبر به خانه آنها می‌رود و گزارش کشف جسد آنها را می‌دهد. اگرچه زمان دقیق مرگ آنها مشخص نبود، لیکن دارلی و اولین با ضربات چاقو و کریستال از طریق خفه‌شدن، به قتل رسیده بودند. پس از آن رابنستین بیان داشت که پول بیمه را گرفته و آن را از بین برده است. پس از تحقیق‌های طولانی، مقامات می‌سی‌سی‌پی رابنستین را در سال ۱۹۹۸ متهم به ۳ فقره قتل کردند و دادگاه او را به مجازات اعدام محکوم کرد. در سپتامبر ۲۰۰۰، پدر دارلی

یک دعوی ۱۵ میلیون دلاری علیه رابنستین، همسرش و شرکت بیمه عمر نیویورک اقامه کرد. وی ادعا کرد که دوریس اطلاع داشته که شوهرش کانر را در سال ۱۹۷۹ به خاطر دریافت سود ویژه بیمه عمر به قتل رسانده و هیچ اقدامی برای ختنی کردن نقشه رابنستین در خصوص موارد قتل اخیر انجام نداده است. همچنین وی در برابر شرکت بیمه اظهار داشت، آن شرکت در صدور بیمه‌نامه عمر برای کسی که فاقد نفع قابل بیمه معتبر در حیات نوه‌خوانده‌اش بوده است، سهل‌انگاری کرده است. در حالی که برای حفاظت از نظم عمومی ضروری بود که از انعقاد چنین قراردادی خودداری شود.

### ۳-۳. نفع قابل بیمه طلبکار در حیات بدهکار

معمولاً پذیرفته شده است که طلبکار در حیات بدهکار نفعی قابل بیمه دارد و می‌تواند به‌عنوان ذی‌نفع در بیمه عمر تعیین شود و در نتیجه مستحق دریافت درآمد حاصل از بیمه - حداقل تا میزان طلبش - باشد. با این حال، دادگاه‌ها در خصوص بیمه‌نامه‌هایی که مبلغ بیمه آنها بیش از میزان طلب است، دچار اختلاف نظر شدند. به عنوان مثال، فرض کنید که بیمه عمر اخذشده بر حیات بدهکار، تفاوت فاحشی با مقدار بدهی داشته باشد و به‌شدت نامتناسب باشد؛ بدیهی است که چنین قراردادی یک قرارداد شرط‌بندی است و باطل خواهد بود.

اما به اعتقاد اساتیدی همچون ونس و اندرسون، به طور کلی دادگاه‌ها تلاش نکرده‌اند تا به قاعده‌ای ثابت در این خصوص دست یابند؛ بلکه صرفاً گفته شده است که اگر تفاوت میان مبلغ بدهی و مبلغ تعیین‌شده در بیمه‌نامه آن قدر فاحش باشد که از حالت تضمین پرداخت بدهی خارج شود و همانند یک قرارداد شرط‌بندی درآید، بیمه‌نامه باید باطل شود. درحقیقت، هر پرونده‌ای بر اساس شواهد و قرائن موجود در آن تصمیم‌گیری خواهد شد و مبلغ بیمه صرفاً به‌عنوان نشانه‌ای خواهد بود که حاکی از حسن‌نیت یا سوءنیت طلبکار ذی‌نفع است (Vance and Anderson, 1951, 201). از سوی دیگر، اگر بدهکاری بیمه عمری را برای حیات خود و به نفع طلبکار اخذ کند، حتی اگر آن بیمه‌نامه فراتر از مبلغ بدهی او هم باشد، باز هم طلبکار استحقاق دریافت تمام مبلغ مندرج در بیمه‌نامه را خواهد داشت. اما اگر بیمه‌نامه‌ای توسط طلبکار و

نسبت به حیات بدهکار اخذ شود، در صورتی که خود طلبکار به عنوان ذی نفع تعیین شود، آنگاه باید تناسبی میان بدهی شخص بدهکار و مبلغ مندرج در بیمه نامه وجود داشته باشد؛ یعنی در نهایت این مبلغ به میزان بدهی شخص بدهکار، حق بیمه های پرداختی از سوی طلبکار و سود این وجوه خواهد بود. این نظر با عقاید برخی علمای حقوق و قاعده انصاف نیز سازگارتر است (Keeton and Widiss, 1988, 442-43).

### ۳-۴. سایر منافع اقتصادی قابل توجه در حیات دیگران

منافع اقتصادی و تجاری دیگری نیز بر اساس تعهدات قراردادی میان اشخاص وجود دارد که در آن، مرگ یکی از طرفین، به دلیل عدم تکمیل یا اجرای تعهد قراردادی، مسلماً باعث ورود زیان اقتصادی قابل توجهی به دیگری خواهد شد. با این حال، ناتوانی و عجز افراد در تعیین کیفیت و کمیت این منفعت یا ضرر اقتصادی، می تواند ادعای نفع قابل بیمه ی شخص در حیات دیگری را با شکست روبه رو کند.

بنابراین، هرگونه نفع قابل بیمه بر حیات دیگری که مبتنی بر رابطه عشق و محبت مربوط به ازدواج یا رابطه والدین- فرزند نیست، باید از طریق نفع قابل بیمه اقتصادی مشروع و قابل توجه در تداوم حیات و سلامت شخص بیمه شده همراه باشد، یا اینکه باطل و بلااثر اعلان شود؛ چراکه یک قرارداد شرط بندی نامعتبر را تشکیل داده است.

### ۴. نتیجه گیری

الزام وجود نفع قابل بیمه در بیمه عمر مبتنی بر یک توجیه مصلحت عمومی است که لازم می داند ذی نفع برای تهیه بیمه نامه دارای نفع قابل بیمه مشروع در حیات دیگری باشد، تا از قراردادهای شرط بندی که می تواند ذی نفع را به گرفتن جان بیمه شده ترغیب کند، ممانعت به عمل آورد. بر این اساس، تقریباً تمام دادگاه ها امروزه لازم می دانند که یک نفع قابل بیمه معتبر در حیات دیگری وجود داشته باشد، یا بیمه نامه مشکوک باطل و بی اعتبار، اعلان شود.

این به طور کلی مورد پذیرش قرار گرفته است که هر فردی دارای نفع قابل بیمه نامحدود در حیات خودش است، و فردی که بیمه در حیات خود می‌گیرد این اختیار را دارد که هر کسی را که بخواهد ذی‌نفع بیمه‌نامه تعیین کند، چه آن ذی‌نفع دارای نفع بیمه‌پذیر معتبر در حیات وی باشد چه نباشد. با این حال، ذی‌نفعی که به طور عمدی بیمه‌شده را می‌کشد نمی‌تواند، و نباید بتواند، مزایای فوت بیمه‌نامه عمر را دریافت کند، و این درآمد به جای آن باید به ذی‌نفع محتمل بی‌گناه یا دارایی فوت‌شده پرداخت شود. با این وجود، برخی از دادگاه‌ها هنوز با استفاده از قاعده استفاده ابزاری از بی‌گناه، استثنایی برای قاعده کلی ایجاد کرده‌اند.

منافع قابل بیمه در حیات دیگری مبتنی بر دو دسته کلی هستند؛ اول، نفع قابل بیمه بر اساس روابط فامیلی که برای افراد یک خانواده از طریق رابطهٔ خونی یا ازدواج برقرار می‌شود؛ و دوم، برای تمام افراد غیرفامیل که یک نفع اقتصادی مشروع و قابل توجه در تداوم زندگی و سلامت بدن فرد بیمه‌شده دارند. نفع بیمه‌پذیر عشق و محبت خانوادگی میان زوجین، و میان والدین و فرزند، به طور کلی منفعت اقتصادی اضافه‌ای را لازم ندارد، اما سایر اعضای خانواده‌ی گسترده، و همچنین اعضای خانواده‌های غیرسنتی معمولاً نیاز به منفعت مالی جداگانه یا وابستگی اقتصادی در حیات بیمه‌شده برای برقراری نفع قابل بیمه معتبر در حیات شخص دیگر دارند. لیکن همیشه باید به عنصر مشروع بودن منافع توجه کرد.

با این حال، در بیمه‌نامه‌های عمر مربوط به کسب‌وکار، از جمله بیمه بر حیات شریک تجاری، مستخدم کلیدی، یا رابطهٔ طلبکار بدهکار، منفعت اقتصادی قابل توجه در تداوم زندگی و تندرستی بیمه‌شده توسط حقوق برای پرهیز از قراردادهای شرط‌بندی نامعتبر لازم دانسته شده است. این بیمه‌نامه‌های عمر مرتبط با تجارت، قراردادهای غرامت را تشکیل می‌دهند که شبیه به بیمه‌های اموال هستند، به جای اینکه قرارداد سرمایه‌گذاری باشند.

در بیمه‌های اشخاص حقوق ایران با تقلید بدون تفکر از قانون بیمه فرانسه، رضایت کتبی بیمه‌شده را جانشین نفع قابل بیمه دانسته است و به فلسفه وجودی نفع در بیمه عمر توجه کافی نکرده است، که شایسته تجدیدنظر قانون‌گذار در این زمینه است.

## منابع

۱. برومند بارده، ن.، ۱۳۹۴. خسارت تنبیهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. سیفی زیناب، غ.ع. و وفاپی پور، ع.، ۱۳۸۹. معیار تشخیص وجود حسن‌نیت بیمه‌گذار و بیمه‌گر در قرارداد بیمه. فصلنامه صنعت بیمه، شماره ۳، صص ۴۵-۶۹.
۳. علی‌اکبری، د.، ۱۳۹۴. مخاطره اخلاقی و راه‌های مهار آن در بیمه‌های دریایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. فولادگر، ف.، ۱۳۹۱. نفع بیمه‌پذیر در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در کامن‌لا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۵. محمدی، م.ج.، ۱۳۹۵. نفع قابل بیمه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. محمود صالحی، ج.ع.، ۱۳۸۱. حقوق بیمه. تهران: بیمه مرکزی ایران.
7. Abubakar, Y., Zahid, A. and Markom, R., 2015. Insurable interest under life insurance and family takaful. *Shariah Journal*, 23(2), pp. 343-364.
8. Vance, W.R. and Anderson Buist M., 1951. *Handbook of The Law of Insurance*. Third Edition, Anderson Publishing.
9. Hodgkin, R., 2002. *Insurance Law; Text and Materials*. Second Edition, Cavendish Publishing Limited.
10. Schultz Vento, C., 1996. Insurable interest of foster child or stepchild in life of foster or step parent, or vice versa. *American Law Reports*.
11. Swisher, P.N., 2005. The insurable interest requirement for life insurance: a critical reassessment. *Drake Law Review*, 53, pp. 477- 543.

12. Salzman, G., 1963. Wagering, and insurable interest in life insurance. *The Journal of Insurance*, 30(5), pp. 555-562.
13. Patterson, E., 1918. Insurable interest in life. *Columbia Law Review*, 18(5), pp. 381-421.
14. Keeton, R.E. and Alan, I.W., 1988. Insurance Law: A Guide to Fundamental Principles. *Legal Doctrines, and Commercial Practices*, 2(2).
15. Jerry, R.H., 2002. *Understanding Insurance Law*. Third Edition, Carolina Academic Press.
16. Rea Jr, S.A., 1993. The economics of insurance law. *International Review of Law and Economics*, 13(2), pp. 145-162.
17. Kingree, B. and Tanner, L., 1994. Life Insurance as Motive for Murder. *Tort & Insurance Law Journal*, pp. 761-772.
18. Mancini, M.A. and Murphy, C.L., 2012. The elusive insurable interest requirement: Are you sure the insured is insured?. *Real Property, Trust and Estate Law Journal*, pp. 409-473.
19. Loshin J., 2007. Insurance law's helpless busybody: A case against the insurable interest requirement. *The Yale Law Journal*, 117, pp. 474- 509.